

ارزیابی موانع مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری مطالعه موردی: شهر شیراز*

احمدرضا نقیبزاده - دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
علی شمس‌الدینی^۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
علی سلطانی - استاد شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷

چکیده

با توجه به عدم امکان تأمین سرمایه برای پروژه‌های شهری، در بسیاری از شهرهای دنیا برای توسعه زیرساخت‌ها نیاز اساسی به حضور سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی و استفاده از تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات ایجاد می‌گردد. هدف از پژوهش حاضر که از نوع توصیفی تحلیلی است، سنجش موانع مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری در شهر شیراز است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی کارشناسان و مدیران مشغول به فعالیت در شرکت‌های بخش خصوصی فعال در زمینه توسعه و عمران شهر شیراز هستند، می‌باشد. ۱۰۰ نفر از افراد مذکور به صورت تصادفی انتخاب و اطلاعات لازم با استفاده از ابزار تحقیق جمع‌آوری شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که دارای پنج بخش بود. روایی آن به صورت محتوایی (صوری) و سازه‌ای و پایایی آن با استفاده از پایایی ترکیبی مورد تأیید قرار گرفته است (آلفای کرونباخ = ۰/۸۶۹). تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل همبستگی و الگو یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS انجام شده است. مدل ارزیابی شده در پژوهش از شاخص‌های برازندگی قابل قبولی برخوردار بود. نتایج مطالعه نشان داد که به ترتیب متغیرهای موانع سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات ($t = ۵/۳۳$ ، $\gamma = ۰/۴$)، تأمین مالی - حمایت مالی ($t = ۳/۶۸$ ، $\gamma = ۰/۳۶۴$)، مطالعه و آماده‌سازی ($t = ۳/۴۵$ ، $\gamma = ۰/۲۶۳$) و ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش ($t = ۲/۱۴$ ، $\gamma = ۰/۱۴۵$) دارای بیشترین تأثیر بر عدم مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهر شیراز می‌باشند. به صورت کلی، این عوامل تبیین‌کننده حدود ۴۷/۶ درصد از تغییرات مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران در شهر شیراز هستند.

واژگان کلیدی: مشارکت، توسعه و عمران شهری، بخش خصوصی، معادلات ساختاری، شهر شیراز.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری پژوهش محور شهرسازی آقای احمدرضا نقیبزاده به راهنمایی نویسنده دوم و مشاور نویسنده سوم می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج انجام گرفته است.

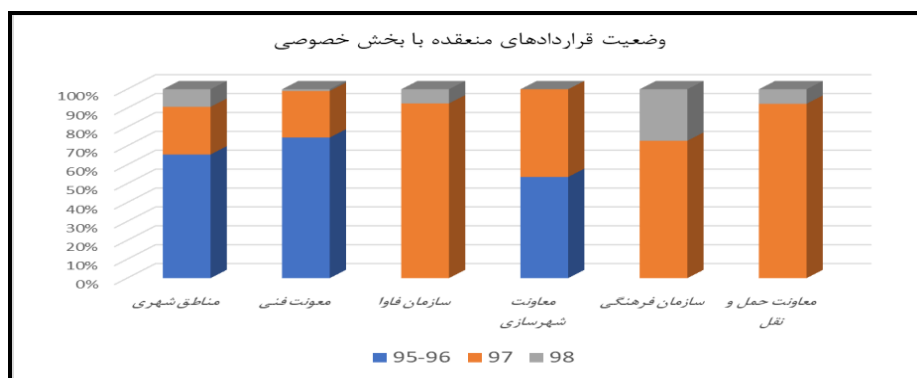
مقدمه

در حال حاضر یکی از اصول توسعه پایدار شهری، در نظر گرفتن معیارهای اصولی و منطقی در زمینه رشد و گسترش فیزیکی شهرهاست. با توجه به اینکه می‌توان گفت توسعه پایدار شهری یک توسعه‌ای بوده که در آن نیازهای واقعی انسان‌ها و محیط آن در نظر گرفته شده و به عبارتی تصمیم‌گیری‌های موردنظر با توجه به اینکه در آن ملاحظات مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در نظر گرفته شده، عقلایی محسوب می‌شوند (صادقی و صبح‌خیز زنوزی، ۱۳۹۴: ۱۵۷). در بین عوامل تأثیرگذار بر توسعه فیزیکی شهر که نوع و میزان توسعه شهری با برنامه‌های موجود را رقم خواهد زد، درآمدهای پایدار می‌باشد (پژویان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰). بنابراین می‌توان گفت، از مهم‌ترین عوامل پایداری شهری دستیابی به الگوی پایدار منابع مالی برای تهیه و تأمین هزینه جاری و عمرانی شهر می‌باشد که از این طریق امکان سرمایه‌گذاری در نظام زیرساخت‌های توسعه شهر را فراهم خواهد نمود (مظفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). البته نکته حائز اهمیت در این زمینه این بوده که درآمدها باید علاوه برداشتن قابلیت اتکاء و استمرار پذیری، تهدیدی برای توسعه پایدار شهری نباشد (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). در حال حاضر، کم کردن وابستگی به کمک‌های دولتی و گرفتن یکی از رویکردهای اصلی در حوزه‌های مدیریت شهری در کشور بوده که نتیجه آن حرکت به سمت شناسایی درآمدهای پایدار همانند شناسایی روش‌های جلب درآمدهای پایدار و ابزارهای جدید تأمین منابع مالی در مدیریت شهری، نظیر جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است (هیبتی و احمدی، ۱۳۸۸: ۴۳). از شکل‌های مهم روند خصوصی‌سازی در سطح فعالیت‌های شهری، همکاری و مشارکت بخش عمومی و خصوصی است که بسیار رایج بوده و تجربیات باارزشی در آن نوع مشارکت‌ها وجود دارد. این نوع همکاری‌ها و مشارکت‌ها (مشارکت بخش عمومی و خصوصی) به سازمان‌های دولتی و شهری امکان می‌دهند که هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های پرخطر و گران‌قیمت را با بخش خصوصی، در راستای منافع مشترک هر دو بخش تقسیم کنند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه، شیوه مشارکت بخش عمومی و خصوصی، زمانی مورد استقبال و استفاده قرار می‌گیرد که بخش عمومی و خصوصی، منافع مشترکی داشته باشند و منابع موجود در دو بخش به گونه‌ای بر روی هم انباشته شوند و تکمیل‌کننده همدیگر باشند (Bel et al, 2010: 554). در مطالعه‌ای که بنیاد ریزن (۱۹۹۵) در این زمینه انجام داده، مشخص شده که شهرداری‌ها به‌طور روزافزونی در حال مشارکت با بخش خصوصی در زمینه تأمین مالی، طراحی و ساخت پروژه‌های بزرگ و زیرساخت‌ها هستند که دلایل اصلی آن را چنین توصیف کرده‌اند: مشارکت باعث می‌شود بخشی از درآمدهای بخش خصوصی وارد عرصه فعالیت اقتصادی شده و گام مهمی در ایجاد و کمک به توسعه بلندمدت شهر برداشته شود.

از دید اقتصاد شهری عواملی چون گسترش دامنه فعالیت‌های شهرداری‌ها و بالا بردن سطح انتظارات مردم از آن‌ها و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت شهری نیاز به گسترش منابع مالی و درآمدی شهرداری‌ها را بیشتر می‌کند (قلعه‌دار، ۱۳۸۲: ۲). در میان بخش‌های مختلف مدیریت شهری، تأمین منابع مالی و درآمدی شهرداری‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا از یک‌سو کسب درآمد شهرداری‌ها تأثیر عمده‌ای در ارائه خدمات به شهروندان دارد و از سوی دیگر فقدان درآمد کافی نه تنها سبب عدم ایجاد خدمات ضروری در شهر می‌شود، بلکه اساساً اجرای تمامی طرح‌ها و برنامه‌های شهری را با مشکل مواجه می‌سازد (جمشیدزاده، ۱۳۸۷: ۲۲). پایدار بودن منابع درآمدی برای شهرداری‌ها از این حیث اهمیت دارد که برای برنامه‌ریزی‌های شهری به برآورد دقیق از میزان و زمان تحقق درآمدها نیاز است. از این‌رو شهرداری‌ها برای اجرای طرح‌های فنی و عمرانی خود نیاز به جذب درآمد قابل توجهی دارند. در مسیر جذب درآمدهای پایدار شهری بهره‌مندی از تجربه‌های موفق دیگر کلان‌شهرها و یا سایر کشورهای موفق در این زمینه‌ها می‌تواند سازنده

باشد. درآمد حاصل از فروش تراکم در بخش ساخت و ساز شهری، هرچند می‌تواند به نوسازی شهری کمک شایانی کند، ولی به دلیل هزینه بالای نگهداشت شهری عملاً هزینه فروش تراکم در شهر در بخش ارائه خدمات صرف می‌شود و در بخش توسعه عمران با کمبود و کسری بودجه و اعتبار مواجه می‌شود. پس با توجه به نقش محوری مردم در تأمین مالی طرح‌های توسعه شهری و با عنایت به اختیارات قانونی حاصل از ماده ۲۲ قانون نوسازی و عمران شهری در خصوص امکان جلب مشارکت بخش خصوصی با استفاده از واگذاری اراضی تحت تملک شهرداری به شرکت‌های خصوصی، بررسی موانع جلب این مشارکت دارای ضرورت و اهمیت بالایی می‌باشد. در شهر شیراز بر اساس اطلاعات معاونت مالی و اقتصادی شهرداری شیراز (۱۳۹۸) و سازمان برنامه و بودجه استان فارس (۱۳۹۸) به صورت کلی ۳۱ شرکت خصوصی فعال در زمینه شهرسازی، ۲۶۱۸ شرکت خصوصی پیمانکار در زمینه تمامی امور شهری و همچنین ۱۵۳ شرکت خصوصی فعال در بخش‌های مختلف شهری فعال می‌باشند. لازم به توضیح است که این تعداد شرکت‌ها از سال ۱۳۹۵ به بعد مجوز فعالیت برای آن‌ها صادر شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، ۱۰۲ قرارداد با شرکت‌های خصوصی در زمینه آرامستان، پسماند شهری، میدان‌ها و فضای سبز شهری امضا شده و وارد فاز اجرایی شده‌اند. همچنین، بر اساس اطلاعات موجود در شکل ۱، مشاهده می‌شود که در مناطق مختلف شهرداری شهر شیراز مجموع قراردادهای انعقاد شده با بخش خصوصی در سال ۱۳۹۸، ۲۵۵ فقره بوده که این تعداد در سال ۱۳۹۷، ۶۹۰ فقره و در بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ این تعداد برابر با ۱۷۹۱ فقره بوده است. بنابراین، بر اساس موارد گفته شده می‌توان عنوان کرد که روند انعقاد قرارداد و به عبارتی روند مشارکت بخش خصوصی در زمینه توسعه و عمران شهری دارای یک روند نزولی بوده است. بر اساس موارد گفته شده و در راستای توسعه مشارکت بخش خصوصی در زمینه پایدار شهری شیراز، هدف این مطالعه سنجش موانع مؤثر بر مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری می‌باشد، که در این بین، پژوهش حاضر با سؤال اساسی ذیل مواجه خواهد بود:

۱- چه عواملی بر عدم مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری شیراز تأثیر می‌گذارند و میزان تأثیرگذاری هریک از موانع چگونه است؟



شکل شماره ۱. وضعیت قراردادهای انعقاد شده با شرکت‌های خصوصی در شهر شیراز

در دهه اخیر اگرچه به نظر می‌رسد مطالعه خاصی در مورد مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمرانی شهری و موانع تأثیرگذار بر آن صورت نگرفته ولی در ادامه سعی شده که به نتایج تعدادی از مطالعات صورت گرفته که نزدیک به اهداف این مطالعه هستند.

هیبتی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه آزادی اقتصادی یا مشارکت‌های عمومی-خصوصی و ارائه الگو برای ایران»، با استفاده از متدولوژی داده‌های تابلویی و داده‌های سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۸، نشان دادند که در ایران،

تنها شاخص حقوق مالکیت، دارای رابطه مستقیم و به لحاظ آماری، معنی‌دار است و شاخص‌های آزادی بازرگانی، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی با مشارکت بخش خصوصی، رابطه معکوس و معنی‌دار دارد. ترکان و شهبازی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی چگونگی جذب مشارکت بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای»، ضمن تأکید بر ارجحیت مشارکت از نوع ساخت، مالکیت و بهره‌برداری، عواملی مانند ارائه تضمین از سوی دولت برای بازگشت سرمایه با نرخ سود مناسب، کاهش مخاطرات و نگرانی‌های بخش خصوصی را از اقدامات مؤثر برای جذب مشارکت سرمایه‌گذاران خصوصی در تأمین سرمایه آزادراه‌ها دانسته‌اند. رحمانی و مظهری (۱۳۹۰)، در مطالعه خود به بررسی مشکلات، تأثیرات و روش‌های خصوصی‌سازی در معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد پرداختند. آن‌ها نشان دادند که مهم‌ترین موانع خصوصی‌سازی از دیدگاه پیمانکاران، وجود بوروکراسی در انعقاد قراردادها و پرداخت حقوق، عدم اطمینان در سرمایه‌گذاری و پایین بودن مبلغ قراردادها می‌دانند. همچنین از دیدگاه مسئولین شهرداری، عدم توجه به کیفیت از سوی مسئولین شهرداری، عدم توجه به کیفیت از سوی بخش خصوصی، عدم رعایت مسائل بهداشتی و عدم مهارت و تخصص پیمانکاران، از مهم‌ترین موانع خصوصی‌سازی می‌باشند. شرزهای و ماجد (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «تأمین مالی پایدار شهر؛ چگونگی تأمین مالی به‌منظور توسعه پایدار شهری»، نشان دادند که بخش عمده‌ای از درآمدهای حاصله توسط شهرداری‌های کشور، با مفاهیم پایداری و مطلوب بودن همخوان نیستند و عمدتاً از منابع ناپایدار کسب می‌شوند. درحالی‌که منابع پایدار همچون عوارض نوسازی، مالیات بر زمین و مستغلات و درآمدهای حاصله از فروش خدمات به‌طور نسبی مغفول مانده‌اند، تمرکز بر درآمدهای ناپایدار از جمله عوارض فروش تراکم، عوارض تخلقات ساختمانی و جرائم ماده صد سهم خود را در کل درآمدها افزایش داده‌اند. صادقی و صبح‌خیز زنوزی (۱۳۹۳) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بخش خصوصی به‌عنوان رهیافتی در تأمین منابع پایدار مالی پروژه‌های شهرداری پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از این امر است که عواملی مانند بهبود فضای کسب‌وکار و قوانین کارای تضمین‌کننده سود کارگذار خصوصی، باعث افزایش مشارکت بخش خصوصی، در اجرای پروژه‌های شهری می‌شوند و متقابلاً، وجود بوروکراسی و نبود ظرفیت‌سازی‌های مناسب، روند کار را به تعویق می‌اندازد. رجایی و خراسانی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «شناخت و تحلیل موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پروژه‌های عمرانی شهری (منطقه ۱۰ شهرداری تهران)» مهم‌ترین موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در منطقه مورد مطالعه را تمایل به فروش به‌جای مشارکت، تغییر پست‌ها و مشکلات ناشی از آن، جابجایی و احتیاط، زمان‌بر بودن انعقاد قراردادها، شرایط قراردادها، مشکلات کارشناسی پروژه‌ها، مشکلات مالکیت بعد از اختتام پروژه‌ها، انتقال مالکیت، تخصص و دید تخصصی نسبت به سرمایه‌گذاری، ارتقای هر چه بیشتر جایگاه سازمان مشارکت مردمی، بسته‌های سرمایه‌گذاری، مدیریت در بهره‌برداری از پروژه‌ها، شناور نبودن قراردادها، عدم تضمین، تیب بودن قراردادها و ناهمخوانی شرایط وضع‌شده با شرایط مندرج در قرارداد معرفی نموده‌اند. نثاری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای تأمین منابع مالی پایدار شهرداری تهران در برنامه پنج‌ساله، با تأکید بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی» نشان دادند که بخش عمده‌ای از درآمدهای اصلی شهرداری‌ها، با مفاهیم پایداری، سازگار نیستند و از استمرار و مطلوبیت، برخوردار نمی‌باشند. میرباقری هیر و سلاح ورزی (۱۳۹۵) موانع جذب سرمایه‌گذاری در حوزه شهری در استان لرستان را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها نشان دادند که وضعیت توسعه زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری، وضعیت ریسک (عدم امنیت) سرمایه‌گذاری، نگرش سازمان‌ها و مؤسسات دولتی نسبت به سرمایه‌گذاری و وضعیت قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری بر جذب سرمایه‌گذاری در استان لرستان، تأثیر زیادی دارند. سروشان (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «مدیریت شهری و راه‌کارهای جذب سرمایه‌گذار جهت نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد جذب بخش خصوصی (منطقه ۲۰ شهر تهران)»، نشان داد که عوامل قانونی و اداری، عوامل اقتصادی، عوامل مربوط به دولت، عوامل فرهنگی و عوامل

منطقه‌ای، پنج عامل اثرگذار بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عمومی در پروژه‌های شهری می‌باشد، و وجود قوانین و مقررات مزاحم سرمایه‌گذاری، رشد حباب گونه بخش خدمات، فقدان نقشه جامع سرمایه‌گذاری و همچنین نرخ تورم بالا، نوسانات ارزی و ناکارآمدی بازار سرمایه در تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری از موانع عمده حضور بخش خصوصی در پروژه‌های شهری می‌باشد. سجادی آل هاشم و عاقلی (۱۳۹۶)، به بررسی و ارائه راهکارهایی به منظور جذب بخش خصوصی برای مشارکت در سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های شهری پرداختند. آن‌ها راهکارهای ردیف بودجه قطعی برای پروژه، تضمین تقاضا و تسهیم منافع و پوشش افزایش هزینه‌ها توسط دولت در جذب بخش خصوصی را معرفی نموده و حائز اهمیت دانستند.

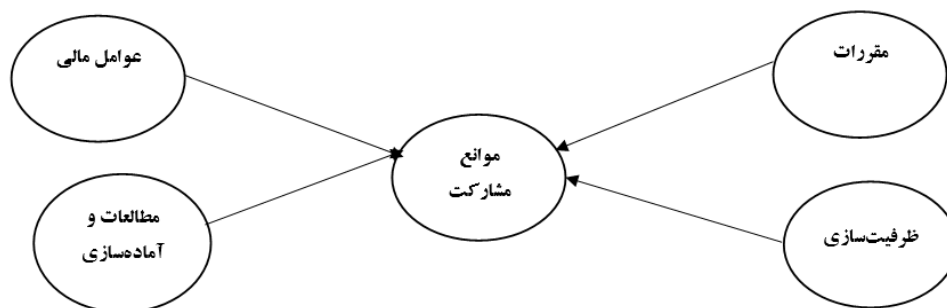
مبانی نظری

تأمین منابع مالی، یکی از مهم‌ترین وظایف نهادهای عمومی، از قبیل شهرداری‌هاست. هرچند منابع مالی شهرداری‌ها به صورت‌های مختلف، قابل حصول می‌باشند، اما، همه آن‌ها از خصوصیات درآمدهای پایدار برخوردار نیستند. پایداری درآمدها مستلزم آن است که اولاً از استمرار نسبی برخوردار بوده و ثانیاً شرایط کیفی شهر را در معرض تهدید و تخریب قرار ندهد (صادقی و صبح‌خیز زنون، ۱۳۹۴: ۱۵۷). هرروز بیش‌ازپیش مشخص می‌گردد که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به رویارویی با تقاضای مداوم خدمات نیستند و لازم است که به دنبال جلب یاری سایر بخش‌های جامعه باشند. مشارکت خصوصی با بخش عمومی (دولتی)، یکی از امیدبخش‌ترین شکل‌های چنین همکاری‌هایی است. این مشارکت بر مبنای درک این نکته است که هر دو بخش عمومی و خصوصی می‌توانند از به اشتراک گذاشتن منابع مالی، دانش و تخصصشان به‌منظور بهبود ارائه خدمات پایه به همه شهروندان، سود ببرند (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۳). مشارکت عمومی با خصوصی متدولوژی است که برای تدارکات پروژه‌های عمومی به‌خوبی بنانهاده شده است. با مشارکت دادن تخصص، کارایی، نوآوری، دید تجاری، تسهیم ریسک، تأمین مالی و فوایدی که بخش خصوصی در پروژه‌های عمومی دارد، کیفیت خدمات و تسهیلات عمومی رو به افزایش می‌نهد. مفهوم سرمایه‌گذاری مشارکتی بخش‌های خصوصی و عمومی، که اختصاراً به PPP گفته می‌شود، به پروژه‌های سرمایه‌گذاری اطلاق می‌گردد که در آن‌ها، یکی از آن زیرمجموعه‌های دولت مرکزی (و یا دولت محلی) با مشارکت یک یا چند شرکت خصوصی، تأمین مالی و ساخت و بهره‌برداری پروژه را بر عهده می‌گیرد و درآمدهای ناشی از راه‌اندازی پروژه هم به نسبت سهم مشارکت هر یک از شرکا بین آن‌ها تقسیم می‌شود (هیبتی و احمدی، ۱۳۸۸: ۳). هدف از شراکت بخش عمومی و خصوصی؛ همکاری میان این دو بخش برای خدمات‌رسانی به عموم مردم می‌باشد. شراکت بخش عمومی و خصوصی، به هرگونه توافق عملی بر مبنای تعهد دوجانبه و وظایف میان بخش عمومی و شریکانی که خارج از بخش عمومی عمل می‌کنند گفته می‌شود و در حیطه واژگان علمی برای نشان دادن دخالت یا درگیری بخش خصوصی در توزیع خدمات عمومی به‌کاربرده می‌شود (Poggesi, 2007: 32). همچنین، یکی از کاربردهای مهم قراردادهای خصوصی عمومی، به زمانی مربوط می‌شود که نیاز به توانایی‌ها و مهارت‌های پیشرفته و از طرف دیگر نیاز به سرمایه‌گذاری‌های مالی گسترده باشد، به‌نحوی که یک شرکت خصوصی یا حتی دولتی، به‌راحتی از عهده انجام آن برنیاید (World Bank, 2012: 1). بدیهی است که این مشارکت، بر اساس اصول توسعه پایدار و زیر نظارت بخش عمومی و در چارچوب اهداف و سیاست‌های مصوب در طرح‌های توسعه شهری صورت می‌گیرد. دهه هشتاد (میلادی)، سرآغاز عصر شراکت بخش عمومی - خصوصی در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری است که از یکسو، بیانگر دوری از برنامه‌ریزی متمرکز و آمرانه و از سوی دیگر، بیانگر جلوگیری از سوءاستفاده بازار آزاد از توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای است. مشارکت‌های عمومی - خصوصی، از طریق عوامل متعددی، شهرت و رونق یافته‌اند. مؤثرترین عامل، مواجهه با محدودیت‌های بودجه‌ای است که توسط

مقامات محلی و بخش دولتی تأمین می‌شوند (Norment, 2007: 15). با توجه به اینکه، توسعه پایدار شهری، توسعه‌ای مبتنی بر نیازهای واقعی و تصمیم‌گیری‌های عقلایی با در نظر گرفتن ملاحظات مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بوده و در این بین، درآمدهای پایدار نوع و میزان توسعه شهری با برنامه‌های منسجم و قوی را رقم خواهد زد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۷). بنابراین بر اساس آنچه گفته شد، هر روز بیش‌ازپیش مشخص می‌گردد که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به رویارویی با تقاضای مداوم خدمات نیستند و لازم است که به دنبال جلب یاری سایر بخش‌های جامعه باشند. شراکت عمومی - خصوصی، یکی از امیدبخش‌ترین شکل‌های چنین همکاری‌هایی است. این مشارکت بر مبنای درک این نکته است که هر دو بخش عمومی و خصوصی می‌توانند از به اشتراک گذاشتن منابع مالی، دانش و تخصصشان به‌منظور بهبود ارائه خدمات پایه به همه شهروندان، سود ببرند. علاوه بر این، شراکت عمومی - خصوصی، گزینه‌ای در مقابل خصوصی‌سازی کلی، از طریق ترکیب مزیت‌های هر دو بخش در موارد زیر به شمار می‌آید:

- مسئولیت اجتماعی، آگاهی زیست‌محیطی و پاسخگویی بخش خصوصی در قبال عموم مردم؛
 - تأمین مالی، فناوری، کارآمدی مدیریتی و روحیه کارآفرینی بخش خصوصی (Tsenkova, 2002: 12).
- لازم به توضیح است در دنیا، روش‌های مختلفی برای خصوصی‌سازی پیشنهاد شده و مورد آزمایش قرار گرفته‌اند و در این زمینه عمومیت دارند که عبارت‌اند از: الف) قراردادهای پیمانکاری؛ ب) خصوصی‌سازی کامل؛ ج) مشارکت عمومی - خصوصی؛ د) رقابت مدیریت شده؛ ه) فروش دارایی‌ها یا رهن (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۸). تنوع ترتیب‌های مشارکتی، منافع قابل توجهی را برای مدیریت و اجرای مراحل نوزایی، ارائه می‌کند؛ به‌طوری‌که هدف از این نوع مشارکت‌ها تولید یک نتیجه سودبخش دوطرفه است که بخش خصوصی و عمومی، به‌تنهایی قادر به دستیابی به آن نخواهند بود (Ministry for the Environment, 2007: 1).
- زیر را عرضه می‌کنند: ۱- اطمینان از تجهیز مؤثرتر منابع؛ ۲- قدرت حمایت بیشتر با تکیه بر نکات قوی شرکای مختلف؛ ۳- پرداختن به مشکلات شهری در یک روش همه‌جانبه‌تر؛ ۴- تضمین ارائه خدمات منصفانه به افراد مختلف ذی مدخل و ۵- دستیابی به هماهنگی در برنامه‌ها و پروژه‌های متفاوت و جزء جزء شده (Tsenkova, 2002: 13). در راستای ذکر مزایای مشارکت خصوصی - عمومی، نورمنت در ابتدا نقاط قوت هر بخش را برمی‌شمرد؛ به این صورت که قوت‌های بخش خصوصی را شامل مدیریت کارا، بهره‌مندی از تکنولوژی‌های جدید، محل‌ها و فعالیت‌های کارا، مدیریت جریان نقدی پول، توسعه شخصی (برنامه‌ریزی استخدامی) و منابع مشترک می‌داند و قوت‌های بخش عمومی را شامل اعتبار قانونی، حمایت از سیاست‌های مصوب، اهداف وسیع، متعادل و درون‌نگر برای دستیابی به نیازهای عموم و نهایتاً منابع و سرمایه‌های عمده و بزرگ می‌داند و سپس راز موفقیت یک مشارکت عمومی - خصوصی را در برقراری تعادل بین نقاط قوت هر دو بخش معرفی کرده (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۴) و مزایای زیر را برای آن قائل می‌شود: ۱- حداکثر بهره‌گیری از نقاط قوت هر بخش ۲- کاهش یافتن ریسک توسعه ۳- بسیج دارایی‌هایی که اضافی یا کم‌کاربرد هستند ۴- بهبود در تکمیل امور و کارها به‌صورت مؤثرتر و سریع‌تر ۵- اقبال بهتر نسبت به محیط ۶- بهبود خدمات‌رسانی به جامعه ۷- بهبود اثربخشی هزینه‌ها ۸- اشتراک منابع ۹- اشتراک در زبان‌ها ۱۰- منافع و سودهای دوطرفه (Ghobadian et al, 2004: 47). در بررسی و جمع‌بندی مطالعات مختلف می‌توان به متغیرهای مختلفی در زمینه جذب مشارکت‌های بخش خصوصی اشاره نمود. اولین مورد در این زمینه، زیرساخت‌ها می‌باشد. بر اساس مدل‌های تئوریک اقتصاد کلان، سیاست‌های پولی و مالی می‌توانند از طریق افزایش و کاهش میزان نرخ بهره، سرمایه‌گذاری خصوصی را تحت تأثیر قرار دهند. به‌عبارتی دیگر می‌توان عنوان کرد که سرمایه‌گذاری دولتی از یک‌طرف باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شده و از طرفی دیگر، باعث کاهش تولید کالاهایی که توسط بخش خصوصی در رقابت با بخش دولتی تولید می‌شود، خواهد شد و در نتیجه باعث جایگزینی شدن کالاهای جبری می‌شود (صادقی و صبح‌خیز

زنونی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). البته لازم به ذکر است، در کشورهای کمتر توسعه یافته با توجه به اینکه زیرساخت‌های در بسیاری از بخش آن‌ها از جمله مناطق شهری، دارای نقص و کمبود می‌باشند و موانع اداری زیادی برای سرمایه‌گذاری در این بخش (زیرساختی) وجود دارد، لذا سرمایه‌گذاری دولت در این بخش باعث توسعه و افزایش یازدهی در این بخش شده و زمینه مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز آماده خواهد شد (نادران و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۰۸). دومین بحث در زمینه مشارکت بخش خصوصی، قوانین کار می‌باشد. در زمینه نقش سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی و اثر آن بر رشد اقتصادی، نتیجه مطالعه لوین و تادلیس (۲۰۱۰) نشان‌دهنده ارتباط مثبت سهم سرمایه‌گذاری با حاکمیت قانون است. از این شاخص می‌توان در زمینه وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در یک کشور استفاده نمود و نشان داد که کشور موردنظر در چه وضعیتی قرار داشته و آیا زمینه مساعد برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی در آن کشور وجود دارد؟ (Levin & Tadelis, 2010: 508). در زمینه قوانین کار، پیستر (همکاران، ۲۰۰۴) عنوان کرده‌اند که عواملی مانند حاکمیت قوی از طریق داشتن قانون مشخص و شفاف (کارا) قطعاً بر امنیت تأمین مالی به وسیله بخش خصوصی تأثیرگذار می‌باشد. سومین عامل در زمینه جذب مشارکت بخش خصوصی، روابط عمومی می‌باشد. از این عامل می‌توان به عنوان یکی از مواردی که باعث اتصال مردم به حکومت باشد. این عامل، تحقق اصل مهم پاسخ‌گویی دولت و سازمان‌های ذی‌ربط آن به شهروندان و نظارت مردم بر عملکرد سازمان‌ها و امور اجرایی کشور است (Shafiul Azam & Syed Mansoor, 2006: 782). لازم به توضیح است که اگر این عامل به‌طور مناسب و شفاف صورت نگیرد، اعتماد مردم و به عبارتی افکار عمومی به دولت و به‌صورت ویژه در زمینه هدف این مطالعه، شهرداری‌ها، صورت نخواهد گرفت.



شکل شماره ۲. مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. در این مطالعه برای بررسی هدف اصلی (یا سؤال تحقیق)، با تدوین ابزار اندازه‌گیری به مشاهده متغیرهای کمی پرداخته شده است. به‌منظور تبیین نقش عوامل تأثیرگذار بر موانع مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهر شیراز مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات میدانی از طریق پرسشنامه بسته پاسخ با مقیاس لیکرت پنج‌بخشی ارائه شده به نمونه مورد مطالعه (کارشناسان و مدیران شهری) انجام شده است. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای محقق ساخته بوده، روایی آن با نظرخواهی از کارشناسان و اساتید دانشگاه (روایی صوری) و همچنین، به‌صورت همگرا مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است. برای سنجش پایایی از ضرایب پایایی ترکیبی (بزرگ‌تر از ۰/۷) و آلفای کرونباخ (بزرگ‌تر از ۰/۷) استفاده می‌شود

که در صورت مناسب بودن این ضرایب می‌توان گفت، ابزار پژوهش پایاست. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، وضعیت پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ متغیرهای مورد بررسی در سطح مناسبی بوده و نشان‌دهنده پایایی ابزار مورد تحقیق است.

جدول شماره ۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌ها موانع مشارکت بخش خصوصی و شاخص‌های تأثیرپذیر از آن و پایایی ابزار تحقیق

شاخص	مؤلفه	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	میانگین واریانس
موانع مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهر	طراحی و ساخت (M1)	۰/۹۳	۰/۸۸	۰/۷۹
	اجرا و نگهداری (M2)			
	ساخت و بهره‌برداری - انتقال (M3)			
	تأمین مالی (M4)			
سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات	نبود عزم جدی در سطوح مختلف مدیریتی (S1)	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۶۴
	نبود بسترهای قانونی بالادستی (S1)			
	تداخل و ناهماهنگی در سیاست‌های اتخاذ شده (S2)			
	نبود برنامه‌های بلندمدت (S3)			
	نبود ظرفیت‌های کافی در جهت تعریف مشوق‌ها و معافیت‌ها (S4)			
مطالعات، آماده‌سازی و فرآیند ارجاع پروژه‌ها	عدم وجود چارچوب‌های حقوقی و قراردادی برای حفظ حقوق طرفین (S5)	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۶۹
	عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به مطالعات فنی و مالی انجام شده (A1)			
	عدم انجام مطالعات ریسک (A1)			
	غیر شفاف بودن فرآیندها و مقررات در انتخاب و تصویب پروژه (A2)			
	غیر شفاف بودن فرآیندها و مقررات در انتخاب سرمایه‌گذار (A3)			
تأمین مالی و حمایت مالی	ضعف در بازاریابی و عدم ارائه اطلاعات مناسب به سرمایه‌گذاران (A4)	۰/۸۶	۰/۸۴	۰/۶۵
	کمبود منابع مالی جهت ارائه تسهیلات (T1)			
	نبود منابع مالی پایدار جهت ایجاد پشتوانه (T2)			
	عدم سازگاری شرایط اعطای تسهیلات بانک‌های تجاری با ساختار پروژه‌های مشارکتی (T3)			
	عدم بهره‌گیری کافی از ظرفیت‌های بازار سرمایه در تأمین مالی قراردادهای مشارکتی (T4)			
ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش و مهارت	کمبود دانش و مهارت (Z1)	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۵۸
	نبود اطمینان بخش خصوصی به ایفای تعهدات بخش عمومی (Z2)			
	تلقی نادرست مدیران دستگاه‌های اجرایی از آثار حقوقی مترتب بر واگذاری پروژه (Z3)			
	عدم آشنایی کافی دستگاه‌های نظارتی با اهمیت و موضوع واگذاری پروژه‌ها و نظام اجرایی مشارکت (Z4)			
	کمبود دانش و مهارت بخش خصوصی با نظام اجرایی مشارکت (Z5)			
آلفای کرونباخ کل				

منبع: (شرزهای و ماجد (۱۳۹۰)، رجایی و خراسانی (۱۳۹۴) و میرباقری هیر و سلاح ورزی (۱۳۹۵))

در این مطالعه، پرسشنامه شامل شش بخش بوده که در بخش اول به بررسی متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، سطح تحصیلات، سابقه و ...) و بخش‌های دیگر پرسشنامه نیز به بررسی متغیرهای مورد نظر مطالعه که به صورت کلی در جدول ۲ نشان داده شده‌اند، پرداخته شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS استفاده شده است. جامعه آماری مطالعه حاضر را کارشناسان و مدیران مربوطه در شهر شیراز تشکیل می‌دهند. کارشناسان در این مطالعه، شامل افرادی بوده که در شرکت‌های خصوصی در زمینه توسعه و عمران شهری فعال هستند، و دارای پست سازمانی کارشناسی می‌باشند. در انتخاب حجم نمونه در بین کارشناسان و مدیران مورد نظر، با توجه به قانون

حداقل حجم نمونه در تحقیقات همبستگی و پیمایشی (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵)، ۱۰۰ نفر از بین کارشناسان به صورت نمونه‌گیری کاملاً تصادفی در دسترس انتخاب و ابزار تحقیق در اختیار آن‌ها قرار داده شد.

بحث و یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین سنی افراد مورد مطالعه (۷۸ درصد مرد و ۲۲ درصد زن) برابر با ۳۵/۹۴ سال بوده و اکثریت آن‌ها در رده سنی ۳۵ تا ۴۰ سال قرار دارند. علاوه بر این‌ها، کمترین و بیشترین سن مربوط به پاسخگویان، ۲۷ و ۵۳ سال بود. نتایج بررسی وضعیت تحصیلات افراد مورد مطالعه نشان داد، سطح تحصیلات اکثریت پاسخگویان (۳۹ درصد) در حد فوق لیسانس است. همچنین، ۳۴ درصد لیسانس و ۲۷ درصد از کارشناسان مورد مطالعه دارای مدرک دکتری بودند.

قبل از بررسی بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل معادلات ساختاری، برای اطمینان از طبقه‌بندی صحیح متغیرهای تحقیق، به بررسی اعتماد و اعتبار مدل پرداخته می‌شود. برای برآورد اعتبار تشخیصی (واگرا) مدل از روش ماتریس فورنل و لارکر استفاده شد. طبق این معیار جذر شاخص AVE، یک متغیر پنهان باید بیشتر از همبستگی آن متغیر پنهان با متغیرهای پنهان دیگر باشد این امر نشانگر آن (سیدعباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴) است که همبستگی آن متغیر پنهان با مشاهده پذیرهای خود بیشتر از همبستگی‌اش با دیگر متغیرهای مورد مطالعه است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بر اساس نتایج ماتریس فورنل و لارکر، مقادیر جذر AVE، برای تمامی متغیرهای پنهان (ابعاد) که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار دارند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین قطر اصلی قرار گرفته‌اند، بیشتر است؛ بنابراین می‌توان اذعان نمود که متغیرهای مکنون در مدل حاضر، تعامل بیشتری با مشاهده پذیرهای خود دارند تا با سازه‌های دیگر، به عبارتی اعتبار واگرایی مدل در حد مناسبی بوده و مورد تأیید می‌باشد.

جدول شماره ۲. روایی افتراقی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
موانع مشارکت	۰/۷۷				
سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات	۰/۳۴۶	۰/۸۴			
مطالعات، آماده‌سازی و فرآیند ارجاع پروژه‌ها	۰/۲۲۱	۰/۳۳	۰/۸۲۱		
تأمین مالی و حمایت مالی	۰/۱۶	۰/۴۱	۰/۱۶۴	۰/۷۹۱	
ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش و مهارت	۰/۳۶۶	۰/۴۶۵	۰/۱۸۱	۰/۵۰۸	۰/۷۴۵

با توجه به اینکه مقدار بار عاملی شاخص‌ها در مدل ساختاری پژوهش بالاتر از ۰/۷ است (شکل ۱)، لذا مدل اولیه قابل تأیید است. تأیید پایایی و روایی ابزار تحقیق نیاز به بررسی سایر شاخص‌های تأثیرگذار دارد، برای تأیید پایایی باید بارهای عاملی بالاتر از ۰/۷ باشد که بر اساس نتایج موجود در شکل ۱، این مورد نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین، برای تأیید روایی باید: الف) همه بارهای عاملی معنی‌دار باشند؛ ب) همه بارهای عاملی بالاتر از ۰/۷ باشند؛ ج) میانگین واریانس استخراج‌شده همه سازه‌های مورد مطالعه بالاتر از ۰/۵ باشد و د) پایایی ترکیبی بزرگ‌تر از میانگین واریانس استخراج‌شده باشد که همان‌طور در جدول ۲ و شکل ۳ مشاهده می‌شود، تمامی شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش شرایط لازم برای تأیید روایی را نیز دارند و در نتیجه می‌توان عنوان نمود روایی ابزار تحقیق نیز مورد تأیید است. در بخش ساختاری، ارتباط متغیرهای پنهان با یکدیگر بررسی می‌شود. در این زمینه بار عاملی بین متغیرها نشان‌دهنده

1 .Discriminant Validity

2 .Fornell & Larcker

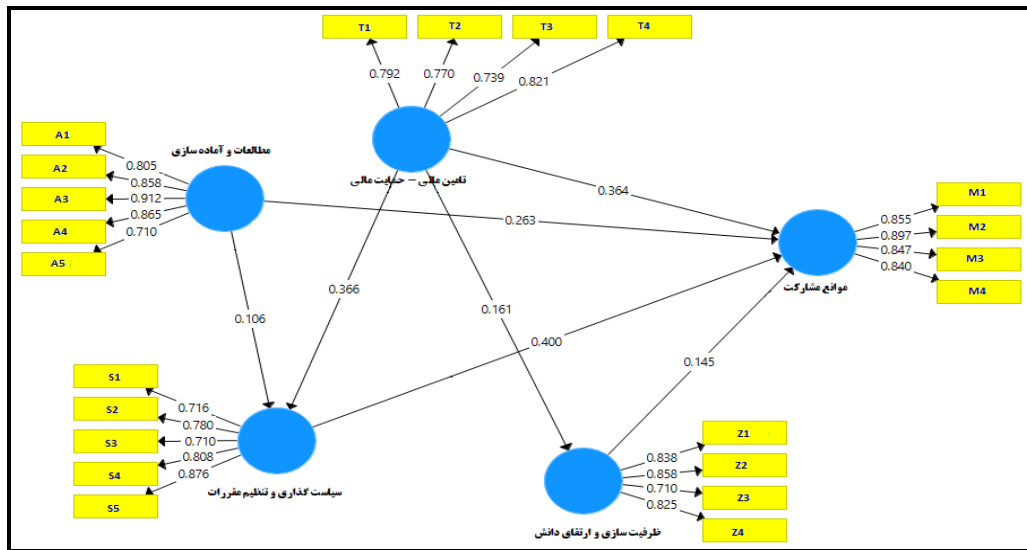
میزان ارتباط و بیشتر بودن عدد معناداری دلیل وجود ارتباط معنادار بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود، ابتدایی‌ترین معیار سنجش رابطه بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معناداری t است. در صورتی که مقدار این معیار از $1/96$ بیشتر باشند، نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ است. البته باید توجه داشت که اعداد معیار t فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین سازه‌ها را نمی‌توان با آن‌ها سنجید. برای این کار باید از معیاری دیگری مانند ضریب تبیین (R^2) استفاده نمود. جدول ۴ مقادیر t روابط مدل را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ضریب t به‌دست‌آمده برای تمامی روابط موردنظر این مطالعه بزرگ‌تر از $1/96$ بوده و این امر نشان‌دهنده معنی‌داری آن روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد است.

جدول ۴ نتایج کلی بخش ساختاری مدل را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج جدول ۳، ارتباط بین متغیر موانع مشارکت و سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات به میزان $0/4$ است که با توجه به مقدار t $5/33$ ، این ارتباط معنی‌دار است. همچنین، ارتباط بین متغیر موانع مشارکت و مطالعه و آماده‌سازی به میزان $0/263$ و مقدار t $3/45$ ، ارتباط بین موانع مشارکت و متغیر تأمین مالی - حمایت مالی به میزان $0/364$ و مقدار t $2/68$ و ارتباط بین متغیر موانع مشارکت و ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش به میزان $0/145$ و مقدار t $2/14$ به‌دست‌آمده و این نتایج نشان‌دهنده معنی‌داری روابط موردنظر است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بالاترین ارتباط مربوط به متغیرهای موانع مشارکت و سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات ($0/4$) بوده و ضعیف‌ترین ارتباط کلی در این مدل مربوط به ارتباط دو متغیر مطالعه و آماده‌سازی و موانع مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهر شیراز ($0/145$) است. مدل ساختاری مطالعه همراه با ضریب استاندارد بارهای عاملی و اثرات کلی سازه‌های اصلی در شکل ۳ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۳. نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معنی‌داری مدل ساختاری

مسیر	اثرات کلی	خطای استاندارد	t	سطح معنی‌داری
تأمین مالی - حمایت مالی - < موانع مشارکت	$0/364$	$0/056$	$3/68$	$0/000$
سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات - < موانع مشارکت	$0/4$	$0/075$	$5/33$	$0/000$
ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش - < موانع مشارکت	$0/145$	$0/068$	$2/14$	$0/033$
مطالعه و آماده‌سازی - < موانع مشارکت	$0/263$	$0/058$	$3/45$	$0/000$
تأمین مالی - حمایت مالی - < سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات	$0/366$	$0/06$	$3/67$	$0/000$
مطالعه و آماده‌سازی - < سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات	$0/106$	$0/073$	$1/45$	$0/14$
تأمین مالی - حمایت مالی - < ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش	$0/161$	$0/068$	$2/99$	$0/05$

$R^2 = 0/476$



شکل شماره ۳. مدل ساختاری مطالعه همراه با ضریب استاندارد بارهای عاملی و اثرات کلی سازه‌های اصلی

برازش کلی مدل ساختاری

برای تأیید کیفیت مدل تحقیق تعیین برازش مدل کلی پژوهش ضروری است، به عبارتی برای محاسبه شاخص تناسب در مدل پی ال اس می‌توان از روش GOF که در ادامه نشان داده شده است (رابطه ۱)، استفاده نمود. این شاخص (GOF)، مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضرایب تعیین است. مقادیر ۰/۳۶، ۰/۲۵ و ۰/۰۱ به ترتیب قوی، متوسط و ضعیف برای مدل موردنظر توصیف شده‌اند.

$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times \bar{R}^2} \quad (۱) \text{ رابطه}$$

بر اساس نتایج به دست آمده، متوسط مقادیر اشتراکی و ضرایب تعیین به ترتیب ۰/۱۶ و ۰/۸۶۸ است. همچنین، مقدار به دست آمده برای تعیین برازش مدل کلی ۰/۳۷۲ بوده که این مقدار بیشتر از مقدار ۰/۳۶ بوده و در نتیجه برازش قوی برای مدل پژوهش تأیید می‌شود.

برای ارزیابی مدل ساختاری تحقیق، از ضریب تعیین (R^2) که معیار اصلی ارزیابی مدل ساختاری موردنظر بوده و نشان‌دهنده میزان واریانس تبیین شده متغیر پنهان درون‌زا توسط متغیرهای برون‌زای دیگر است، استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ضریب تعیین متغیر پنهان درون‌زا موانع مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری شیراز ۰/۴۷۶ بوده و به عبارتی بیش از ۴۷ درصد از واریانس متغیر وابسته تبیین شده و این به این معنی است که قدرت توضیحی مدل در سطح مناسب و قابل قبولی (چین^۱ ۱۹۹۸) قرار دارد.

برای تأیید کیفیت مدل تحقیق تعیین برازش بخش‌های مختلف مدل از جمله بخش ساختاری پژوهش ضروری است. یکی از معیارهای بررسی برازش بخش ساختاری مدل، معیار سنگی گایسر Q2 است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل ساختاری را مشخص می‌نماید. هنسلر^۲ و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین کرده‌اند و اعتقاد دارند، اگر مقدار Q2 در مورد یک سازه درون‌زا در محدوده نزدیک به ۰/۰۲ باشد، نشان از آن دارد که مدل قدرت پیش‌بینی ضعیفی در قبال شاخص‌های آن سازه داشته، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب مدل قدرت پیش‌بینی متوسط و قوی خواهد داشت. بر اساس نتایج به دست آمده مقدار معیار قدرت

۱. Chin

۲. Henseler

پیش‌بینی سازه درون‌زای موانع مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری شیراز برابر ۰/۳۴ بوده و این نتیجه نشان از قدرت پیش‌بینی مناسب و بالای مدل در خصوص این سازه دارد و می‌توان گفت برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش بار دیگر تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

جذب سرمایه‌های بخش در پروژه‌های شهرداری‌ها، با توجه به سرمایه‌های مادی و معنوی متعدد و منحصر به فرد موجود در کشور مزیت‌های مختلفی همچون بهبود وضعیت اقتصادی شهرها، کارآفرینی، ورود شهرداری‌ها به عرصه‌های جدید کار و تلاش و خدمات‌رسانی و ارتقاء سطح رفاه شهروندان را در پی خواهد داشت. مشارکت بخش خصوصی، به‌عنوان یکی از شیوه‌های واگذاری فعالیت‌های دولت به بخش خصوصی در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی، کمک به سزایی در خصوصی‌سازی و ارتقای کیفی فعالیت‌های دولت خواهد داشت. البته لازم به ذکر است که نهایی شدن این اصل و به‌عبارتی دیگر، اجرایی شدن این امر در کشور، مستلزم فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم و فرهنگ‌سازی موضوع در کشور بوده که متأسفانه در این زمینه بروز مشکلات متعددی راه را برای پیشرفت در این زمینه ناهموار ساخته است. لذا، با توجه به خاص بودن این عامل در توسعه پایدار شهری، در این مطالعه به بررسی موانع تعیین‌کننده مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های توسعه و عمران شهری شیراز پرداخته شد. در این مطالعه متغیرهای تعیین‌کننده عدم مشارکت بخش خصوصی در زمینه‌های موردنظر (سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات، مطالعات، آماده‌سازی و فرآیند ارجاع پروژه‌ها، تأمین مالی و حمایت مالی و ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش و مهارت در بخش عمومی و خصوصی) برای بررسی این موضوع مورد استفاده قرار گرفت و با استفاده از روش مدل ساختاری هدف موردنظر تحلیل شده است.

در مدل ساختاری این مطالعه، متغیرهای سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات، مطالعات، آماده‌سازی و فرآیند ارجاع پروژه‌ها، تأمین مالی و حمایت مالی و ظرفیت‌سازی و ارتقای دانش و مهارت در بخش عمومی و خصوصی به‌عنوان موانع تعیین‌کننده مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های توسعه و عمران شهری شیراز تأیید شد. لازم به ذکر است، نقش عامل سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات بر موانع دیگر برتری داشته و دارای اثری قوی‌تر (۰/۴) بوده است. این نشان می‌دهد که مؤلفه‌های عامل سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات مانند نبود برنامه‌های بلندمدت، نبود ظرفیت‌های کافی در جهت تعریف مشوق‌ها و معافیت‌ها و نبود بسترهای قانونی بالادستی باعث عدم مشارکت مناسب بخش خصوصی در فعالیت‌های توسعه و عمران شهری شیراز شده‌اند. به‌عبارتی دیگر، به دلیل عدم پیش‌بینی مناسب و بلندمدت وضعیت و نوع مشارکت بخش خصوصی در بحث‌های عمرانی و توسعه شهری، بخش خصوصی به دلیل عدم قطعیت در زمینه فعالیت‌های خود در آینده با سردرگمی مواجه شده و ترجیح خواهد داد در زمینه‌هایی که دارای آینده مشخص‌تری هستند وارد شده و سرمایه‌گذاری نمایند. همچنین، عوامل دیگری که در زمینه عامل سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات قابل توجه است، نبود ظرفیت‌های کافی در جهت تعریف مشوق‌ها و معافیت‌ها و نبود بسترهای قانونی بالادستی بوده است. در این زمینه با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان عنوان کرد، اصلی‌ترین دلیل ورود بخش خصوصی به مشارکت در طرح‌های عمرانی و توسعه شهری، چرخش سرمایه و سودهی مناسب و متناسب با میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده می‌باشد که این امر در بسیاری از مواقع از جمله در شرایط موجود اقتصاد کشور، ارتباط مستقیم با وجود معافیت‌های لازم و مشوق‌های کافی برای سرمایه‌گذاران دارد و (پیشنهاد می‌شود) در صورت وجود عوامل موردنظر به‌صورت شفاف و واقعی می‌توان شاهد مشارکت هرچه بیشتر شرکت‌های خصوصی بیشتر در زمینه عمران و توسعه شهری بود.

عامل تعیین‌کننده دیگری که در این مطالعه ارتباط آن با عدم مشارکت بخش خصوصی در زمینه‌های موردنظر توسط مدل ساختاری مورد تأیید قرار گرفت، عامل تأمین مالی و حمایت مالی بود. در این زمینه می‌توان به مواد مهمی از عدم

بهره‌گیری کافی از ظرفیت‌های بازار سرمایه در تأمین مالی قراردادهای مشارکتی، کمبود منابع مالی جهت ارائه تسهیلات و نبود منابع مالی پایدار جهت ایجاد پشتوانه اشاره نمود. به صورت کلی، در پایان می‌توان گفت یکی از عناصر کلیدی که نقش مهم و حیاتی در توسعه جوامع به‌ویژه جوامع شهری ایفا می‌کند، توجه به جذب و افزایش مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری است. رشد روزافزون جوامع شهری و نیاز مبرم به مشارکت مردم جامعه در توسعه آن، به‌ویژه مشارکت بخش خصوصی در جهت سرمایه‌گذاری برای توسعه و عمران شهری و کوچک شدن نقش دولت در زمینه موردنظر و رسیدگی بهتر به سایر وظایفش، ضرورت شناخت موانع دخیل در مشارکت بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری (شیراز) را بیشتر نمایان می‌سازد.

منابع

- (۱) پژوهان، جمشید؛ محمدپورزندی، حسین؛ دانش جعفری، داود (۱۳۹۰) اصلاح نظام درآمدی و مالی کلان‌شهرها، فصلنامه اقتصاد شهر، سال ۳، شماره ۹، صص. ۲۳-۹.
- (۲) ترکان، اکبر و شهبازی، میثم (۱۳۸۹) بررسی چگونگی جلب مشارکت بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای؛ مسائل و راه‌کارها، فصلنامه راهبرد، سال ۱۹، شماره ۵۷، صص. ۲۷۶-۲۴۵.
- (۳) حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- (۴) جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۸۷) جایگاه عوارض نوسازی در تأمین مالی شهرداری‌ها، اولین همایش مالی شهرداری‌ها، مشکلات و راهکارها، تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
- (۵) رجایی، سید عباس و خراسانی، محمدمبین (۱۳۹۴) شناخت و تحلیل موانع پیش روی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پروژه‌های عمرانی (مطالعه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۲، صص. ۲۱۰-۱۹۱.
- (۶) رحمانی، فاطمه و مظهری، محمد (۱۳۹۰) بررسی مشکلات، تأثیرات و روش‌های خصوصی‌سازی در معاونت خدمات شهرداری مشهد، اولین همایش اقتصاد شهری، مشهد.
- (۷) سجادی آل هاشم، مسعود و عاقلی، علیرضا (۱۳۹۶) بررسی و ارائه راهکارهایی به‌منظور جذب بخش خصوصی برای مشارکت در سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های شهری، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم و مهندسی، مشهد، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری در شهر مشهد.
- (۸) سروشان، غلامرضا (۱۳۹۶) مدیریت شهری و راهکارهای جذب سرمایه‌گذار جهت نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد جذب بخش خصوصی (مورد مطالعه: منطقه ۲۰ شهر تهران)، کنفرانس بین‌المللی تازه‌های مدیریت شهری، عمران و فناوری در معماری مدرن، امارات-دبی، پژوهشکده هنر و رسانه پژوهشگاه فرهنگ و هنر.
- (۹) صادقی، سیدکمال و صبح‌خیز زنوزی، شلاله (۱۳۹۴) عوامل مؤثر بر مشارکت بخش خصوصی، به‌عنوان رهیافتی در تأمین منابع پایدار مالی پروژه‌های شهرداری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال ۳، شماره ۱۱، صص. ۱۶۷-۱۵۳.
- (۱۰) صادقی، سیدکمال و صبح‌خیز زنوزی، شلاله (۱۳۹۴) عوامل مؤثر بر مشارکت بخش خصوصی، به‌عنوان رهیافتی در تأمین منابع پایدار مالی پروژه‌های شهرداری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال سوم، شماره ۱۱، صص. ۱۶۷-۱۵۳.
- (۱۱) صادقی، سیدکمال؛ محمدزاده، پرویز؛ صبح‌خیز زنوزی، شلاله (۱۳۹۳) عوامل مؤثر بر مشارکت خصوصی، به‌عنوان رهیافتی در تأمین منابع پایدار مالی پروژه‌های شهرداری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال ۳، شماره ۱۱، صص. ۱۶۷-۱۵۳.
- (۱۲) قلعه‌دار، حسام (۱۳۸۲) مقایسه منابع درآمدی شهرداری‌ها در کلان‌شهرهای ایران و بررسی تأثیرات کالبدی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- (۱۳) محمدی، کاوه؛ رضویان، محمدتقی؛ صرافی، مظفر؛ غلامحسینی، اسماعیل (۱۳۹۳) شراکت بخش‌های عمومی - خصوصی در نوسازی بافت‌های فرسوده منطقه ۹ شهرداری تهران، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۲، شماره ۸، صص. ۱۲۷-۱۰۹.

- ۱۴) میرباقری هیر، میرناصر و سلاح ورزی، میثم (۱۳۹۵) موانع جذب سرمایه‌گذاری در خوزه شهری (مورد مطالعه: استان لرستان)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال ۵، شماره ۱، صص. ۱۱۴-۱۰۱.
- ۱۵) مظفری، غلامحسین؛ پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه؛ حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۹۵) ارائه الگوی پایدارسازی نظام درآمدی و تأمین منابع مالی شهرداری‌ها (مطالعه موردی: شهرداری تهران). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۱، شماره ۴، صص. ۴۴-۲۴.
- ۱۶) فیروزی، محمدعلی؛ سجادیان، ناهید؛ علیزاده، هادی (۱۳۹۵) اولویت‌سنجی کاربری‌های نظریه برنامه‌ریزی غیر اقلیدسی جان فریدمن در برنامه‌ریزی شهری ایران، فصلنامه فضای جغرافیایی، دوره ۱۶، شماره ۵۳، صص. ۲۱-۱.
- ۱۷) هیبتی، فرشاد و احمدی، موسی (۱۳۸۸) مشارکت عمومی - خصوصی: نظام نوین تأمین مالی در واگذاری پروژه‌های زیرساختی دولت‌های مرکزی و محلی به بخش خصوصی. اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران.
- ۱۸) هیبتی، فرشاد؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم؛ احمدی، موسی (۱۳۸۷) رابطه آزادی اقتصادی یا مشارکت‌های عمومی-خصوصی و ارائه الگو برای ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال ۲، شماره ۶، صص. ۵۲-۲۵.
- ۱۹) نادران، الیاس؛ امیری، هادی؛ نصیری، علی (۱۳۸۲) آثار اجزاء مخارج عمومی بر ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری بخش صنعت در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۲۳۶-۲۰۷.
- ۲۰) نثاری، رضا؛ منتظری، رسول؛ حسین‌زاده، نعمت (۱۳۹۴) راهبردهای تأمین مالی پایدار شهرداری تهران در برنامه پنج‌ساله، با تأکید بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، مجله اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۳، شماره ۱۱، صص. ۹۹-۱۱۶.
- 21) Shafiul Azam, A. & Syed Mansoor, A. (2006) People as Partner: Facilitating People Participation in Public-Private Partnership for Solid Wastes Management, Habitat International, Vol.30, No.4, pp.781-796.
- 22) Pistor, K. & Raiser, M. & Gelfer, S. (2004) Law and Finance in Transition Economies, The Economics of Transition, Vol.8, No.2, pp.325-368.
- 23) Levin, J. & Tadelis, S. (2010) Contracting for government services: Theory and evidence from U.S cities, Journal of industrial economics, Vol.58, No.3, pp.507-514.
- 24) Bel, G. & Fageda, X. & Warner, M. (2010) Is private production of public services cheaper than public production? A met regression analysis of solid waste and water services, Journal of policy analysis and management, Vol.29, No.3, pp.553-557.
- 25) Chin, W.W (1998) Issues and opinion on structural equation modeling, MIS Quarterly, Vol.22, No.1, pp.7-16.
- 26) Ghobadian, A. & Gallear, D. & Viney, H. (2004) Private Public Partnership Policy and Experience, Milan: Palgrave Mcmillan
- 27) Henseler, J. & Ringle, C.M. & Sinkovics, R.R. (2009) The use of partial least squares path modeling in international marketing, Advances in International Marketing, Vol.20, pp.277-320.
- 28) Ministry for the Environment. (2007) Urban Design Toolkit.
- 29) Norment, Rick. (2007) Fundamentals of Public-Private Partnerships (PPPs), National League of Cities.
- 30) Poggesi, S. (2007) Public Private Partnership for Urban Regeneration: the Case of the Urban Transformation Companies, The Eleventh International Research Symposium on Public Management (IRSPM), Germany: Potsdam.
- 31) Tsenkova, Sasha. (2002) Urban Regeneration: Learning form the British experience, Calgary: university of Calgary, Faculty of Environmental Design.
- 32) World Bank. (2012) Best Practices in Public private Partnership financing in Latin.